

تحول در قوه قضائیه؛ چپستی، راهکارها، راهبردها و موانع

(قسمت دوم)

تحول واژه‌ای است که به تازگی به طور برجسته در فضای مدیریتی کشور توسط مقام معظم رهبری علیه السلام بیان شده است. انتظار تحقق تحول به این دلیل است که بین وضع موجود و وضع مطلوب فاصله معناداری وجود دارد و با حرکت‌های معمولی و روزمره نمی‌توان به مطلوب رسید. به این جهت باید انقلاب و حرکتی فعالانه در نوع مدیریت و فعالیت‌ها انجام شود تا اهداف موردنظر، با سرعت و شدت بیشتری محقق شود. تحول را نباید با شتاب‌زدگی و عملکردهای بی‌پشتوانه و هیجانی و ساختارشکنانه همراه دانست بلکه، تحول به معنای اقدامی است که بر مبنای پشتوانه فکری و نظری صحیح و به صورت تدریجی، همراه با عملکرد جهادی و انقلابی محقق می‌شود.



■ سالار پورنقی

دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی
دانشگاه امام صادق علیه السلام

که جهت تحقق این بند، لازم است قوه قضائیه همکاری صحیحی با نهادهای مسئول دیگر جهت تحقق این بند انجام دهد.

بنابراین مقصود این گزارش بررسی راهبردها و راهکارهای تحول و موانع آن در زمان حاضر است. در زمینه تحول، پس از برخی اقدامات تحولی که در حوزه‌های مختلف توسط رؤسای قبلی قوه قضائیه صورت گرفته بود. این تحولات در دوره ریاست آیت‌الله رئیسی، در حوزه احیای حقوق عامه و مبارزه با مفسدان و مجرمین اقتصادی و حمایت از تولید و کار و مبارزه با عوامل مفسد در قوه قضائیه و مبارزه با زمین‌خواری و استرداد آن‌ها و اعطای عفو و مرخصی‌های بی‌سابقه به زندانیان و ... به صورت پرتوان ادامه پیدا کرد؛ اما با توجه به اقدامات خوبی که تاکنون انجام شده است ضرورت دارد این حرکت به صورت تحولی و به صورت جهادی و انقلابی ادامه و شتاب بیشتری پیدا کند.

به این جهت ضروری است جهت برون‌رفت از شرایط موجود و رسیدن به وضع مطلوب راهکارها و راهبردهایی بیان شود. در شماره قبل به ۹ مورد از عوامل اساسی و تأثیرگذار بر موضوع پرداخته شد و در ادامه سایر موارد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

با نگاه به وضع کنونی می‌توان مشاهده کرد که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قوه قضائیه، فاصله معناداری وجود دارد و اغلب عملکرد قوه قضائیه حاضر، به بندهای ۱ و ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی محدود می‌شود، آن هم همراه با مشکلات و به صورت غیرمطلوب.

براین اساس قوه باید از حالت تک‌بعدی فعالیت قضایی خارج شود و در حوزه تحقق عدالت (به تمام معنای آن) و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع نیز، نقش آفرینی برجسته‌ای داشته باشد تا به تمام وظایف محوله در قانون اساسی عمل کند. به این جهت سزاوار است نام قوه قضائیه به **قوه عدلیه** تغییر کند تا اسم آن متناسب با مسمی باشد. همچنین یکی از وظایف مهمی که قوه قضائیه به صورت صحیح انجام می‌دهد، بند ۵ این اصل یعنی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است

طرح مسئله

«تحول» کلیدواژه‌ای است که به تازگی مقام معظم رهبری علیه السلام آن را به طور برجسته در فضای مدیریتی کشور مطرح کرده‌اند. انتظار تحقق تحول به این دلیل است که بین وضع موجود و وضع مطلوب فاصله معناداری وجود دارد و با حرکت‌های معمولی و روزمره نمی‌توان به مطلوب رسید. به این جهت باید انقلاب و حرکتی فعالانه در نوع مدیریت و فعالیت‌ها انجام شود تا اهداف موردنظر، با سرعت و شدت بیشتری محقق شود. تحول را نباید با شتاب‌زدگی و عملکردهای بی‌پشتوانه و هیجانی و ساختارشکنانه همراه دانست بلکه، تحول به معنای اقدامی است که بر مبنای پشتوانه فکری و نظری صحیح و به صورت تدریجی، همراه با عملکرد جهادی و انقلابی محقق می‌شود.

یکی از عرصه‌های مهم نیازمند تحول، قوه قضائیه است که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه تحقق بخشیدن به عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی را بر عهده دارد. قوه قضائیه پنج وظیفه اصلی زیر را بر عهده دارد:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومت‌ها و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن